



محمد عابدی

مقدمه:

که روش مرا احیا می کنند و به بندگان

خدا یاد می دهند.»

امام صادق علیه السلام که خود به دلیل

مقام امامت دارای شأن هدایتگری

است، همین شأن را برای عالمان دینی

نیز قائل است و می فرماید: «الْإِوَابَةُ

لِإِحْدَابِنَا يَشُدُّ بِهِ قُلُوبَ شَيْعَتِنَا أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ

عَابِدٍ»^۱ کسی که احادیث ما را روایت و

دلهای شیعیان ما را به وسیله آن محکم

کند، از هزار عابد بهتر است.»

از این روی، اینک که در آستانه

آموزه های الهی گویای این است

که یگانه رسالت انبیاء الهی و جانشینان

آنها هدایت مردم به سوی پروردگار

است. خداوند متعال به پیامبرش

فرمود: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا»^۲

«و ما تو را نفرستادیم مگر به عنوان

بشارت دهنده و انذار کننده.»

و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«رَحِمَ اللَّهُ خُلَفَائِي، فَقَبِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ

خُلَفَائِكَ؟ قَالَ: الَّذِينَ يَخُونُونَ سُنَّتِي وَيَعْلَمُونَهَا

عِبَادَةَ اللَّهِ»^۳ خدا جانشینان مرا رحمت

کند. سؤال کردند: یا رسول الله!

جانشینان شما کیستند؟ فرمود: کسانی

۱. اسرا/۱۰۵.

۲. الحیاة، ج ۲، ص ۲۸۱.

۳. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳.

شهادت* آن امام هدایت قرار گرفته ایم، شایسته است نگاهی گذرا به شیوه‌های هدایتگری آن حضرت بیندازیم؛ شیوه‌هایی که سایه به سایه قرآن کریم پیش رفته و به پیروی از قرآن کریم هدایت را در شکلها و شیوه‌های متناسب به مسلمانان عرضه نموده است.

ناگفته نماند که شیوه‌های امام در هدایت و تبلیغ و تبشیر و ارشاد و دعوت و... که در راستای وظائف و شأن امامت انجام می‌شد، تأثیرات عمیقی در جامعه آن روز برجای گذاشت. به گونه‌ای که علی رغم فراهم نبودن امکان برای اقدامات نظامی و براندازی علنی، همین دست فعالیت‌های تبلیغی و هدایتی حضرت، خلفای وقت را به شدت هراسان ساخته و ارکان حکومت آنان را لرزان کرده بود.

از ایسن روست که در مقابل اقدامات این امام هدایت، خلیفه وقت (منصور) می‌گوید: «وَكَانَ أَمْرُهُ وَإِنْ كَانَ مِنْ لَأْيُخْرَجُ بِسَيْفٍ أَغْلَطَ عِنْدِي وَأَمَّهُ عَلِيٌّ مِنْ أَمْرِ عَبْدِ اللَّهِ ابْنِ الْحَسَنِ فَقَدْ كُنْتُ أَعْلَمُ هَذَا مِثْلَهُ وَمِنْ آبَائِهِ عَلِيٌّ عَهْدِي بِنِيَّ أُمَّيَّةٍ؛ اكار جعفر

بن محمد اگرچه با شمشیر قیام نمی‌کند، اما برایم سخت‌تر و مهم‌تر است از قیام عبدالله بن الحسن. من این را از او و پدرانش در زمان بنی امیه می‌دانم.»

شیوه‌های هدایتگری امام صادق علیه السلام

۱. استفاده از تشکیلات و انسجام و

تربیت و تخصص

امام صادق علیه السلام مؤمنان را به انسجام و تبلیغ گروهی تشویق می‌کرد. آن حضرت می‌فرمودند: «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا اجْتَمَعَ مَعَ آخَرَ فَقَدْ كَرَّأَ أَمْرُنَا؛^۲ خدا رحمت کند بنده‌ای را که با دیگری همراه شود تا امر ما را یادآوری (تبلیغ) کنند.»

آن حضرت با سازماندهی فکری مکتب، تربیت شاگردان و متخصص کردن آنها در رشته‌های خاص، معرفی

* یادآوری می‌شود تاکنون ۴ مقاله درباره امام صادق علیه السلام در شماره‌های ۵ (پاسدار حریم ولایت)، ۱۲ (غروب آفتاب دانش، حضرت صادق علیه السلام)، ۲۴ (منشور نسل جوان در سیره امام صادق علیه السلام) و ۳۶ (برخی از ویژگیهای مورد انتظار از مؤمنان در کلام امام صادق علیه السلام) ماهنامه مبلغان منتشر شده است.

۱. بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۱۹۹.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۰۰.

به من معرفی کرد و او در همه مغلوب شد.

امام چنان خندید که دندانش ظاهر شد. مرد شامی گفت: گویا می‌خواستی به من بفهمانی که در میان شیعیان چنین مردمی داری؟ امام فرمود: همین طور است. آن مرد به جرگه شیعیان پیوست.^۱

این رویداد ایجاد انسجام و اقدام گروهی توسط امام صادق علیه السلام را به تصویر می‌کشد.

۲. ذکر آثار و نتایج

روش دیگری که امام صادق علیه السلام در مسیر هدایت استفاده می‌کند، ذکر آثار و نتایج مثبت و منفی کارها و نعمتها و... است. در سیره و سخن امام صادق علیه السلام چنین روشی به روشنی دیده می‌شود. از جمله، در وصیتش به ابن جندب می‌فرماید: «يَا ابْنَ جُنْدَبٍ كَوَانَنَّ شِعْبَتَنَا إِسْتَقَامُوا لَصَافَحَتْهُمْ الْمَلَائِكَةُ وَلَا ظَلَمَهُمُ الْعَمَاءُ وَلَا شَرَقُوا نَهَاراً وَلَا كَلُوا مِنْ قَوْعِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَمَا سَأَلُوا اللَّهَ شَيْئاً

خط مشی تشیع، ایجاد تشکلهای با هویت شیعی و... این انسجام را عمق بخشید. نمونه‌ای از این انسجام و استفاده از متخصصین را به نقل از هشام بن حکم می‌خوانیم:

«مردی از اهالی شام وارد شد و به امام صادق علیه السلام گفت: می‌خواهم چند سؤال بکنم. پرسید: درباره چه می‌خواهی بپرسی؟ گفت: از قرآن، حروف مقطعه، سکون، رفع، نصب و جر. امام فرمود: ای حمران! تو جواب بده. مرد گفت: می‌خواهم با خودتان بحث کنم. امام فرمود: اگر بر او غلبه کردی، بر من پیروز شده‌ای. مرد شامی آن قدر سؤال کرد و پاسخ صحیح شنید که خسته شد و به امام گفت: حمران، مرد توانایی است. هرچه پرسیدم، جواب داد. آن گاه حمران به اشاره امام سؤالی پرسید که او جوابی نداشت.

مرد این بار تقاضای پرسش درباره نحو کرد. امام او را به «ابان» حواله داد و در فقه به «زرارة بن اعین» و در کلام به «مؤمن الطاق» و در استطاعت به «حمزة بن محمد» و در توحید به «هشام بن سالم» و در امامت

۱. تهذیب الکمال، ج ۵، ص ۷۹؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۶، ص ۲۵۸؛ بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۲۱۷.

شکارش باز داشتن از نیکی به برادران و دام او خفتن از انجام نمازهای واجب است. آگاه باش! همانا خداوند به چیزی مانند گام برداشتن در راه نیکی به برادران و دیدار آنها بندگی نمی‌شود. وای بر کوتاهی کنندگان بر نمازها، خواب رفته‌گان در خلوتها و آنهاکه در زمان ضعف دین، خدا و آیاتش را مسخره می‌کنند. آنها هیچ بهره‌ای در آخرت ندارند. خداوند در روز قیامت با آنها سخن نمی‌گوید و آنها را نمی‌بخشد و برای آنها عذابی دردناک است.»

آن حضرت اثر ترک دنیا محوری را نیز چنین یادآور می‌شود: «إِنَّ أَحَبَّ إِلَيَّ أَنْ تَجَاوَرَ الْعَجَلِيلَ فِي دَارِهِ وَتَسْكُنَ الْفِرْدَوْسَ فِي جَوَارِهِ فَلْتَهُنَّ عَلَيْكَ الدُّنْيَا وَاجْعَلِ الْمَوْتَ نَضْبَ عَيْنِكَ وَلَا تَدْخِرْ شَيْئاً لِعَدُوِّكَ وَأَعْلَمْ أَنَّ لَكَ مَا قَدَّمْتَ وَعَلَيْكَ مَا أَخَّرْتَ؛^۴ اگر دوست داری در درگاه الهی با خداوند

إِلَّا أَعْظَامُهُ؟^۱ ای پسر جنذب! اگر شیعیان ما استقامت کنند، ملائکه با آنان مصافحه می‌کنند و ابرها بر آنان سایه می‌اندازند و همانند روز روشن می‌درخشند و از بالا و پایین روزی می‌خورند و چیزی از خدا نمی‌خواهند، مگر اینکه به آنها عطا می‌کند.»

آن حضرت آثار «نیکی به مؤمن و ادای نماز» و اثر منفی ترک آنها را نیز چنین توضیح می‌دهد: «يَا ابْنَ جُنْدَبٍ إِنَّ لِلشَّيْطَانِ مَضَائِدَ يَضْطَادُ بِهَا فَتَحَامُوا شِبَاكُهُ وَمَضَائِدَهُ، قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَاهِي؟ قَالَ أَمَّا مَضَائِدُهُ فَضِدُّ عَنِ بِرِّ الْإِخْوَانِ وَأَمَّا شِبَاكُهُ فَتَوَمُّ عَنِ قَضَاءِ الصَّلَوَاتِ الَّتِي قَرَضَهَا اللَّهُ. أَمَّا إِنَّهُ مَا يَعْبُدُ اللَّهُ بِمِثْلِ نَقْلِ الْأَقْدَامِ إِلَى بِرِّ الْإِخْوَانِ وَزِيَارَتِهِمْ. وَيَنْتَهِزُ عَنِ الصَّلَوَاتِ، النَّائِمِينَ فِي الْحَلَوَاتِ، الْمُسْتَهْزِئِينَ بِاللَّهِ وَأَيَاتِهِ فِي الْفِتْرَاتِ. أَوْلَيْكَ الدِّينُ «لَا خَلْقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يَكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُرَكِّبُهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»^{۳۲} ای پسر جنذب!

شیطان مکانهایی برای شکار دارد؛ پس مواظب دامها و شکارگاههای او باشید. عبدالله می‌گوید: پرسیدم: ای پسر رسول خدا، آنها چیست؟ فرمود ابزار

۱. تحف العقول، ص ۳۰۲، وصیت ابی

عبدالله عليه السلام به ابن جنذب.

۲. آل عمران ۷۷.

۳. تحف العقول، همان.

۴. تحف العقول، ص ۳۰۴.

در موضعی دیگر امام صادق علیه السلام سعی کرد با نشان دادن عمق نفرت خود از همکاری با بنی عباس، یکی از شیعیان را از همکاری با آنان باز دارد؛ لذا فرمود: «مَا أَحِبُّ إِلَيَّ عَقَدْتُ لَهُمْ عَقْدَةَ آوٍ وَكَيْتُ لَهُمْ وَكَاءٌ وَأَنْ لِي مَا بَيْنَ لَا بَيْنَهُمَا، لَا وَلَا مَدَّةَ يَقْلَمٍ إِنْ أُغْوَانِ الظَّلْمَةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي سُرَادِقٍ مِنْ نَارٍ حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَ الْعِبَادِ؛^۱ من دوست ندارم برای آنها (بنی عباس) گِرهی بزنم، یا در مشکلی را ببندم. هرچند در برابر آن ثروت زیادی به دستم برسد، نه، حتی دوست ندارم قلمی برای آنها بر صفحه‌ای بکشم. همانا کمک کنندگان به ستمگران در روز قیامت در سراپرده‌ای از آتش قرار داده می‌شوند تا خداوند بین بندگان حکم کند.»

۴. بیدار سازی وجدانها

آموزه‌های الهی نشان می‌دهد که انسان هرچند ممکن است در ظاهر حقایق را فراموش کند، اما از درون هرگز دچار فراموشی حقایق نمی‌شود و با مخاطب قرار دادن درون و فطرت

همنشین شوی و در بهشت در جوار او مسکن گزینی، باید دنیا در نظرت بی‌مقدار باشد و مرگ را همواره جلوی چشمت داشته باشی و برای فردا چیزی نیندووزی و بدان، آنچه قبلاً تقدیم داشته‌ای برای توست و به خاطر کارهای [نیکی] که به تأخیر انداخته‌ای ضرر خواهی کرد.»

۳. تحریک عواطف انسانی

داستانی زیبا از امام صادق علیه السلام را بشنویم که در آن حضرت از روش تحریک عواطف سود برده است: شقرانی فردی شراب‌خوار بود و نمی‌توانست به دلائلی از دربار منصور دوانیقی سهم و حقوق خود را بگیرد؛ اما امام که برای کاری نزد منصور رفت، سهم او را نیز گرفت و به وی داد و هنگام دادن حقوقش با لحنی ملاطفت‌آمیز به او فرمود: «کار خوب از هر کسی خوب است، ولی از تو بهتر و کار بد از هر کسی بد است، ولی از تو به خاطر انتساب به ما زشت‌تر.»

بعد از آنکه امام از نزد شقرانی رفت، او شدیداً متأثر شد و خود را ملامت کرد.^۱

۱. بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۳۴۹.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۲۹.

او می‌توان او را نجات داد و به خود آورد.

خداوند می‌فرماید: اگر از آنها بپرسی چه کسی آسمانها و زمین را خلق کرد و خورشید و ماه را به تسخیر در آورد، به یقین می‌گویند خدا؛ ﴿وَلْيُنْزِلْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ﴾^۱ و نیز اگر بپرسی چه کسی از آسمان آب می‌فرستد که زمین را بعد از مرگش زنده کند، به یقین می‌گویند خدا؛ ﴿وَلْيُنْزِلْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا لَيَقُولُنَّ اللَّهُ﴾^۲

ایین روش را در سیره امام صادق علیه السلام هم می‌بینیم؛ روشی که در آن، امام از مخاطبش می‌خواهد خود را در موقعیت فرض شده ببیند و ببیند فطرتش چه می‌جوید و چه می‌خواهد. مردی به خدمت امام صادق علیه السلام آمد و گفت: ای زاده رسول خدا! مرا با خدا آشنا کن. خدا چیست؟ مجادله کنندگان بر من چیره شده‌اند و سرگردانم کرده‌اند. امام فرمود: «إِيَا عِبَادَ اللَّهِ هَلْ رَكِبْتَ سَفِينَةً قَطُّ؟ قَالَ نَعَمْ. قَالَ فَهَلْ كَسَرَ بِكَ حَيْثُ لَا سَفِينَةَ تُنَجِّيكَ وَلَا سَبَاحَةَ

تُنَجِّيكَ؟ قَالَ نَعَمْ، قَالَ: هَلْ تَعَلَّقَ قَلْبِكَ هُنَالِكَ أَنَّ سَفِينًا مِنَ الْأَشْيَاءِ قَادِرٌ عَلَى أَنْ يَخْلُصَكَ مِنْ وَرَطْبَتِكَ؟ قَالَ: نَعَمْ. قَالَ: فَذَلِكَ الشَّيْءُ هُوَ اللَّهُ الْقَادِرُ عَلَى الْإِنجَاءِ حَيْثُ لَا مُنْجِيَّ وَعَلَى الْإِغَاثَةِ حَيْثُ لَا مُغِيثَ؛^۳ ای بنده خدا! آیا تا به حال سوار کشتی شده‌ای؟ گفت: آری. فرمود: آیا شده که کشتی بشکند و کشتی دیگری برای نجات تو نباشد و امکان نجات با شنا را هم نداشته باشی؟ گفت: آری. فرمود: آیا در چنین حالتی به چیزی که بتواند از آن گرفتاری نجات دهد، دلبسته بودی؟ گفت: آری. فرمود: آن چیز همان خداست که قادر بر نجات است؛ آنجا که نجات دهنده‌ای نیست. او فریاد رس است؛ آنجا که فریادرسی نیست.»

۵. ارائه الگو و نمونه

قرآن کریم دوبار ابراهیم علیه السلام را به عنوان الگو معرفی می‌کند و همچنین درباره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «لَقَدْ

۱. عنکیوت/۶۱.

۲. همان/۶۳؛ رک: نساء/۲۱۷.

۳. بحار الانوار، ج ۳، ص ۴۱؛ نمونه دیگر: همان، ص ۵۰.

سفیران والا مقام و نیکوکار [الهی] خواهد بود.»

آن حضرت در کلامی دیگر پیرامون راز ماندگاری و جاودانگی و میثاق عمل بودن قرآن تا قیامت چنین می فرماید: «لَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَجْعَلْهُ لِيُزْمَنْ دُونَ زَمَانٍ وَلَا يُنَاسِ دُونَ نَاسٍ فَهَوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ وَعِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ عَصٌّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»^۱ برای اینکه خدای تبارک و تعالی آن را برای زمان یا مردم خاصی قرار نداده است، پس در هر زمان تازه است و نزد هر قومی شاداب است تا روز قیامت.»

درباره الگو معرفی کردن پیامبر ﷺ از زبان امام صادق علیه السلام هم به روایت اباهارون توجه می کنیم. وی می گوید: «به حضور امام شرفیاب شدم. فرمود: ای اباهارون! چند روزی است تو را ندیده ام. گفتم: خداوند پسری به من عطا کرد. حضرت فرمود: خدا او را برای تو مبارک گرداند. چه نام

كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ؛^۱ «رسول خدا برای شما الگوی نیکویی است.» و حتی زن فرعون را نمونه معرفی می کند: «صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا اَنْسْرَةَ فِرْعَوْنَ»؛^۲ «خدا برای مؤمنین همسر فرعون را مثل می زند.» و... این همه برای آن است که مخاطبان کلام الهی بتوانند الگویی درک کردنی از انسان مطلوب الهی را بشناسند و بفهمند که آنچه خدا می خواهد، در عالم واقع و خارج چگونه باید باشد. امام صادق علیه السلام، قرآن کریم، رسول خدا ﷺ، امام علی علیه السلام و شیعیان واقعی را به عنوان الگو معرفی می کند.

مثلاً می فرماید:

«عَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ، فَمَا وَجَدْتُمْ آيَةً نَجَاهِهَا مِنْ كَانَتْ قَبْلَكُمْ فَأَعْمَلُوا بِهِ وَمَا وَجَدْتُمْ مَوْهَ هَلَكَ مِنْ كَانَتْ قَبْلَكُمْ فَأَجْتَنُّوهُ»؛^۳ بر شما باد قرآن! هر آیه ای را یافتید که گذشتگان با [عمل به] آن آیه نجات یافتند، شما هم به آن عمل کنید و هر آیه را دیدید که بیانگر هلاکت پیشینیان است، شما هم از آن بپرهیزید.»، «الْحَافِظُ لِلْقُرْآنِ الْعَامِلُ بِهِ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ»؛^۴ کسی که حافظ قرآن و عمل کننده به آن باشد، همراه با

۱. احزاب/۲۱.

۲. تحریم/۱۱؛ درباره الگوهای بد، ر.ک:

تحریم/۱۰؛ قلم/۴۸.

۳. الحیاء، ج ۲، ص ۱۱۶.

۴. همان، ص ۱۵۲.

۵. بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۱۵.

من کُلِّ مَثَلٍ؛^۳ «در این قرآن برای مردم از هر مثلی استفاده کردیم.»

از مثالهای قرآنی هم می توان به تشبیه «وجود خدا» به «نور»^۴، «بطلان بخشش با منت» به «از بین رفتن بذری که روی سنگ کاشته اند»^۵ و «بخشش و انفاق» به «رویش هفتصد دانه گندم از یک دانه»^۶ اشاره کرد. امام صادق علیه السلام به طور متعدد از این روش استفاده کرده است. ذکر نمونه هایی از آن مارا با کاربرد بیشتر این روش آشنا می سازد:

الف. تشبیه برای اثبات مصنوع بودن

بشر

امام صادق علیه السلام به ابن ابی العوجاء فرمود: «تو مصنوعی (ساخته شده به دست یک علت) یا غیر مصنوع؟ گفت: من غیر مصنوع هستم. (کسی مرا به وجود نیاورده و خود به خود به وجود آمده ام.) امام پرسید: به من بگو اگر مصنوع بودی؛ چگونه می شدی؟ او مدتی سر به زیر

نهادی؟ گفتم: محمد. امام صورت مبارکش را (به نشانه احترام) به زمین خم کرد تا جایی که نزدیک بود به زمین بسخورد و زیر لب فرمود: محمد، محمد، محمد، جان خودم، فرزندانم، پدرم و جمیع اهل زمین فدای رسول خدا باد! او را دشنام مده، کتک مزن، بدی به او نرسان! بدان در روی زمین خانه ای نیست که در آن نام محمد وجود داشته باشد، مگر اینکه آن خانه در تمام ایام مبارک خواهد بود.»^۱

ع. تشبیه و تمثیل و محسوس کردن

معقول

از کاراترین روشهای هدایت، سود بردن از تشبیه و تمثیل است؛ زیرا مردم امور محسوس را با حواس ظاهری خود به راحتی درک می کنند، به خلاف مسائل عقلی که نیاز به زحمت فکری و درک عقلی دارند. از این روی، خداوند متعال در آیات متعددی از مَثَل استفاده می کند و می فرماید: ﴿وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾؛^۲ «و خدا برای مردم مثالها می زند. امید است که متذکر شوند.» و ﴿وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ

۱. بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۳۰.

۲. ابراهیم/۲۵.

۳. روم/۵۸.

۴. نور/۳۵.

۵. بقره/۲۶۴.

۶. همان/۲۶۱.

می‌گوید: «هُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهٌ»^۱؛ «اوست که در آسمان خداست و در زمین خداست». من پاسخش را ندانستم تا آنکه به حج رفتم و امام صادق علیه السلام را از آن آگاه ساختم. فرمود: «این سخن زندیقی خبیث است. هرگاه به سوی او برگشتی، بگو: نام تو در کوفه چیست؟ می‌گوید: فلان، بگو: نامت در بصره چیست؟ می‌گوید: فلان. تو بگو: پروردگار ما نیز به این گونه هم در آسمان «اله» نامیده می‌شود و هم در زمین و هم در دریا. او در همه مکانها «اله» نامیده می‌شود.»

وقتی نزد ابوشاکر آمدم و جواب را دادم، گفت: این پاسخ از حجاز به اینجا رسیده است.^۳

ج. تمثیل برای تجدید عذاب انسان

ابن ابی العوجاء به امام صادق علیه السلام گفت: درباره این آیه چه می‌گویی: «كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا

انداخت، ولی پاسخی نیافت برای همین با چوبی که فرا رویش بود، ور می‌رفت و می‌گفت: دراز، پهن، عمیق، کوتاه، متحرک، ساکن (همه اینها صفات مصنوع بودن اوست)!

امام فرمود: پس اگر تو ویژگی مصنوع و مخلوق بودن را اینها می‌دانی، خود را مصنوع قرار بده، همانگونه که اکنون خود را پدید آمده از آنها می‌یابی... بگو بدانم اگر کیسه‌ای از جواهر باشد و کسی بگوید: آیا در کیسه دیناری هست؟ و تو بگویی: نه. آنگاه او بپرسد که دینار را تعریف کن، و تو دینار را نشناسی، آیا رواست که تو نادانسته، بودن دینار در کیسه را نفی کنی؟ گفت: نه. امام فرمود: جهان هستی که بزرگ‌تر و درازتر و پهن‌تر از کیسه است. شاید در این جهان هستی صنعتی باشد؛ زیرا که تو تعریف صنعت و غیرصنعت را نمی‌دانی.

عبدالکریم درمانده شد و عده‌ای از یارانش همان جا به اسلام روی آوردند.^۱

ب. تمثیل برای جواز دو نام برای خدا

هشام بن حکم می‌گوید: ابوشاکر دیصانی گفت: در قرآن آیه‌ای هست که دیدگاه ما را تقویت می‌کند؛ آیه‌ای که

۱. اصول کافی، ج ۱، کتاب توحید، باب ۱،

ص ۷۶، ذیل حدیث ۲.

۲. زخرف/۸۴.

۳. المیزان، ج ۱۸، ص ۱۲۸؛ سفینه البحار، ج ۱،

ص ۴۷۴ و بحار الانوار، ج ۳، ص ۳۲۳.

یس در مورد منکران معاد آمده است. هنگامی که استخوان پوسیده را در مقابل پیامبر ﷺ قرار دادند و گفتند: چه کسی قدرت دارد آن را زنده کند؟ فرمود: «يُخَيِّبُهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ»؛^۵ «کسی که اولین بار زنده اش کرد، زنده اش می کند.»

امام صادق علیه السلام مناظرات علمی فراوانی انجام می داد، در عین حال از مناظرات غیراصولی پرهیز داشت؛ لذا طیار، یکی از دوستان امام صادق علیه السلام به حضرت گفت: خبردار شده ام که از مناظره با مخالفان ناخشنودید! فرمود: اما کسی که مثل تو باشد، اشکالی ندارد؛ کسانی که وقتی پرواز می کنند و اوج می گیرند، به خوبی می توانند بنشینند و هنگامی که می نشینند، به خوبی می توانند پرواز کنند و اوج گیرند. کسی که چنین باشد ما از مناظره کردن با او ناخشنود نیستیم.^۶

۱. بحار الانوار، ج ۷، ص ۳۹، ح ۷.

۲. بقره/۱۱۱.

۳. نحل/۱۲۵ و ر.ک: بقره/۲۵۸، نساء/۳۴؛

مانده/۹۱؛ توبه/۱۰۳؛ طه/۱۴ و ...

۴. نحل/۱۲۵.

۵. تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۳۰۰.

۶. همان، ج ۱۲، ص ۱۶ تا ۲۰.

غَیْرَهَا»؛ «هر بار پوستهایشان بریان گردد، پوستهای دیگری جایگزین می کنیم.» فرض کنیم که این پوستها گناه کرده و عذاب هم بشوند، گناه پوستهای دیگر چیست؟! امام فرمود: وای بر تو! او هم خود آن است و هم غیر آن. ابن ابی العوجاء گفت: این سخن را برای من عقلی (قابل فهم) کن! امام فرمود: بگو بدانم، اگر کسی خِشْتی را بشکند و بعد به آب آغشته و به گِل تبدیل کند و دوباره به شکل اول (خِشْت) برگرداند، آیا او خود آن و غیر آن نیست؟ گفت: چرا، خدا عمرت دهد.^۱

۷. برهان، جدل، مناظره

قرآن کریم آکنده از برهان و استدلال و... است و چنین می فرماید: «قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ»؛^۲ «بگو برهانتان را بیاورید.»، «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ»؛^۳ «با حکمت و پسند نیکو به سوی پروردگارت دعوت کن.»، «وَلِجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»؛^۴ «با چیزی که بهتر است با آنان مجادله کن.» امام صادق علیه السلام علاوه بر آنچه از مناظرات و... گذشت، در مورد جدال احسن نیز می فرمود: «مجادله احسن، مانند مطلبی است که در آخر سوره